

بررسی فعالیت‌های اشتراکی با همسر و رابطه آن با پایداری زندگی زناشویی^۱

فاطمه مدیری^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۱

چکیده

در پژوهش حاضر، رابطه فعالیت‌های اشتراکی با همسر و مؤلفه‌های مرتبط با پایداری زندگی زناشویی (نشاط زناشویی و گرایش به طلاق) و روند نسلی آن بررسی شده است. جامعه آماری پیمایش شامل متأهلان تهران می‌شود که در این راستا ۱۷۳۶ نمونه به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌کار گرفته شده است. براساس نتایج، میزان فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف یکسان نیست و در دیدارهای اجتماعی و گذران زمان خارج از خانه بیش از گذران زمان در خانه، گفت‌وگو با همسر و هزینه‌کرد مالی است. فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی همبستگی مستقیم و با گرایش به طلاق همبستگی معکوس معنادار دارد. در دیدار اجتماعی و گذران زمان در خانه، فعالیت‌های اشتراکی در نسل اول بیشتر و در بعد گفت‌وگو با همسر کمتر از دیگر نسل‌هاست. در گذران زمان خارج از خانه و هزینه‌کرد مالی تفاوت نسلی معناداری مشاهده نشده است. فعالیت‌های اشتراکی با همسر در نسل جوان اهمیت بیشتری دارد و در صورت تحقق نیافتن آن، احتمال واکنش‌های جدی‌تر در این نسل بیشتر است. به‌طور کلی، فردگرایی میان همسران در تهران یافته شایعی نیست و هرچند در ابعاد مختلف سیر صعودی گسست در روابط میان همسران تأیید نمی‌شود، شناخت نسل جوان و عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ایشان اهمیت بیشتری دارد.

واژه‌های کلیدی: پایداری زندگی زناشویی، فعالیت‌های اشتراکی با همسر، گرایش به طلاق، نسل، نشاط زناشویی.

۱. پژوهش حاضر مستخرج از طرح مصوب مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور با عنوان سبک زندگی متأهلین و تعیین‌کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر تهران) است که با حمایت مالی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اجرا شده است.

۲. استادیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، گروه مطالعات خانواده fateme.modiri@psri.ac.ir

مقدمه

خانواده در بسیاری از جوامع جایگاه والایی دارد و به سبب اهمیت، فراگیر بودن و تأثیرگذار بودن آن، همواره مورد توجه متخصصان و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی بوده است. در پی تغییرات اقتصادی-اجتماعی دهه‌های اخیر، ابعاد مختلف خانواده نیز دچار تغییراتی شده است. طلاق و افزایش روزافزون آن، کاهش باروری و تغییرات ارزشی از جمله تغییراتی هستند که تداوم خانواده را به چالش کشیده‌اند.

در دهه‌های اخیر، خانواده ایرانی نیز تغییراتی مشابه را تجربه کرده است. مطابق آمار منتشرشده از سوی سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۸۸، میزان طلاق نسبت به ازدواج، در مقایسه با سال‌های گذشته افزایش یافته است؛ به طوری که از هر ۱۰۰ ازدواج ۱۴/۲۶ مورد به طلاق منجر شده است (طالبی و ویسی، ۱۳۹۱: ۲۴۸).

همچنین، از سال ۱۳۸۵ نرخ باروری به پایین‌تر از حد جانشینی (۲/۱ فرزند) رسیده و میزان باروری کل در کشور در سال ۱۳۹۰ حدود ۱/۸ برآورد شده است. در حال حاضر، بیشتر استان‌های کشور باروری پایین‌تر از حد جانشینی را تجربه می‌کنند و در این میان تهران بیش از دو دهه است که باروری پایین دارد و در حال حاضر جزء شهرهایی است که باروری خیلی پایین (۱/۲ فرزند) را تجربه می‌کند (رازقی نصرآباد، ۱۳۹۳).

در زمینه تغییرات ارزشی مدیری (۱۳۹۲) نشان داده است در تهران ارزش‌های سنتی و مدرن خانوادگی در سطح وسیع و بارقه‌هایی از ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در برخی ابعاد به چشم می‌خورد و در بستر گذار نسلی از نسل اول به سوم ارزش‌های سنتی کاهش و ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن افزایش یافته است.

بنابراین، در زمینه تغییرات به‌وجودآمده، رصد وضعیت خانواده و بررسی کمیت و کیفیت روابط زوجین و همچنین شناسایی عوامل مرتبط با ثبات و پایداری خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد. در مطالعات مختلف، رابطه میان گونه‌های مختلف فعالیت‌های اشتراکی با همسر از جمله گذران زمان اشتراکی، گفت‌وگو با همسر در زندگی روزمره، شیوه هزینه‌کرد مالی و پایداری ازدواج و رضایت زناشویی مکرر آزمون و تأیید شده است. انتخاب فعالیت‌های اشتراکی با همسر در زندگی روزمره، مجموعه‌ای مناسب برای ارتباط نزدیک زوجین فراهم می‌آورد (کالمین، ۲۰۰۱: ۶۴۱ به نقل از بوت^۱ و همکاران، ۱۹۸۴؛ هیل^۲، ۱۹۸۸؛ کیم و استیف^۳، ۱۹۹۱؛ لاکسلی^۴، ۱۹۸۰؛ مک‌هال و

1. Booth
2. Hill
3. Kim & Stiff
4. Locksley

هاستن،^۱ ۱۹۸۵؛ ریسمن^۲ و همکاران؛ ۱۹۹۳؛ روگرز و آماتو،^۳ ۱۹۹۷؛ سیمسن و انگلند،^۴ ۱۹۸۱ و عدم انتخاب آن نشان‌دهنده وجود فردگرایی در میان همسران است. در این پژوهش فرض می‌شود فعالیت‌های اشتراکی با همسر با فراهم کردن کنش متقابل لذت‌بخش شانس‌هایی برای زندگی زناشویی پایدار فراهم می‌کند. به تعبیر گیدنز، امروزه ازدواج بیش از پیش به صورت رابطه‌ای درآمده است که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی خاصی است که از همزیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب حاصل می‌شود (طالبی و ویسی، ۱۳۹۱: ۲۴۹ به نقل از گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

هرچند با ظهور خانواده هسته‌ای امکان تجلی روابط نزدیک‌تر میان همسران فراهم‌تر شده است، در چگونگی روابط زوجین در پژوهش‌های خارجی و داخلی نتایج متفاوت و گاهی متناقض به چشم می‌خورد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند تأکید بر استقلال فردی، حفظ حریم خصوصی و خودتحقق‌بخشی در روابط زوجین به شکل روزافزون در حال توسعه است (کالمین،^۵ ۲۰۰۱: ۶۴۰ به نقل از بلا،^۶ مادسن،^۷ سولیوان،^۸ سوئیدلر،^۹ تپتن،^{۱۰} ۱۹۸۵؛ بلومستین^{۱۱} و شوارتز^{۱۲}، ۱۹۸۳؛ بومپس،^{۱۳} ۱۹۹۰؛ لستهاق^{۱۴} و میکرز^{۱۵}، ۱۹۸۶). براساس بعضی دیگر از تحقیقات نیز فردگرایی افراطی در روابط میان همسران یافته غالبی نیست (کالمین، ۲۰۰۱: ۶۳۹؛ وایت^{۱۶}، ۱۹۸۳). پژوهش‌های داخلی نیز این دوگانگی را در خانواده ایرانی نشان می‌دهند. برخی بر اهمیت خانواده و بازتولید ارزش‌های خانوادگی تأکید می‌کنند (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۰، مدیری، ۱۳۹۲) و برخی دیگر درجاتی از فردگرایی را نشان می‌دهند (مدیری، ۱۳۹۲؛ آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳۷ به نقل از گرمارودی، ۱۳۸۸؛ سلیمی نیا، ۱۳۸۴؛ محمد، ۲۰۰۸؛ مهدوی، ۲۰۰۸). نبود تحقیقات کافی در این بعد از روابط میان زوجین و وجود دوگانگی در نتایج تحقیقات،

1. McHale & Huston
2. Reissman
3. Rogers & Amato
4. Simpson & England
5. Kalmijn
6. Bellah
7. Madsen
8. Sullivan
9. Swidler
10. Tipton
11. Blumstein
12. Schwartz
13. Bumpass
14. Lesthaeghe
15. Meekers
16. White

پرسش‌های اساسی این پژوهش را به شرح زیر مطرح می‌کند: در جامعه ما فعالیت‌های اشتراکی با همسر به چه میزان است؟ آیا میزان فعالیت‌های اشتراکی با همسر فردگرایی میان همسران را تأیید می‌کند یا نشان از همگرایی میان ایشان دارد؟ میان فعالیت‌های اشتراکی با همسر و پایداری زندگی زناشویی (نشاط زناشویی و گرایش به طلاق) چه رابطه‌ای برقرار است؟ بررسی نسلی چه روندی را نشان می‌دهد؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

رابطه میان فعالیت‌های اشتراکی با همسر و پایداری خانواده به لحاظ جامعه‌شناختی به‌طور عمده با تئوری مبادله^۱ و از منظر روان‌شناسی با تئوری دلبستگی^۲ تعیین شده است. فرض اصلی تئوری مبادله این است که انسان از رفتارهای پرهزینه اجتناب می‌کند و به دنبال تعاملاتی است که حداکثر سود یا حداقل زیان را داشته باشد. به اعتقاد ناولز^۳ (۲۰۰۴: ۲-۸)، همسران در اوقات فراغت نیز هزینه‌ها و پاداش‌های تحمیل‌شده از طریق اوقات مشترک را بررسی می‌کنند. هزینه‌ها شامل پول و زمان است و پاداش‌ها شاید لذت‌های شخصی و ارزش‌ها باشند. در نتیجه، اگر پاداش بزرگ‌تر از هزینه‌ها باشد، فعالیت‌های اشتراکی شکل می‌گیرد. مقایسه جایگزین می‌تواند پاسخگوی دلیل انتخاب فعالیت انفرادی نسبت به اشتراکی باشد. برآورد هزینه و پاداش در مورد کودکان نیز صدق می‌کند. از آنجاکه فرزندان بزرگسال استقلال بیشتری می‌خواهند، پس از بزرگ‌شدن آن‌ها همسران وقت بیشتری را با هم می‌گذرانند.

در تئوری دلبستگی پویایی روابط بلندمدت میان انسان‌ها توصیف و درباره پیوند هیجانی میان کودکان و مراقبان آن‌ها بحث می‌شود. براساس این تئوری، افراد طبق پیوندهایی که با مراقبان خود دارند، سبکی از دلبستگی را تجربه می‌کنند و این سبک بر فرد برای روابط دوران بزرگسالی و نیز جنبه‌های دیگر زندگی مانند تعهد به کار تأثیر می‌گذارد.

هازن و شاور^۴ (۱۹۸۷) در بررسی‌های اولیه به این نتیجه رسیدند که الگوی دلبستگی ارائه‌شده توسط خود افراد، رابطه‌ای مستقیم با متغیرهای مطرح فرضی از جمله باورهای مربوط به عشق و روابط عاطفی و نیز خاطرات مربوط به تجارب اولیه در کنار والدین دارد. طبق نظریه هازن و

1. Exchange theory
2. Attachment Theory
3. Knowles
4. Hazan & Shaver

شاوور، سبک‌های اولیهٔ دلبستگی با بررسی و شکل‌دهی روابط نزدیک در سرتاسر زندگی ادامه پیدا می‌کند. افراد همان‌طور که روابط جدید ایجاد می‌کنند تا حدی بر توقعات قبلی خود در مورد چگونگی رفتار احتمالی دیگران با خود و احساس به آن‌ها تکیه می‌کنند و آن‌ها از این سبک‌ها برای تفسیر و تبیین اهداف و مقاصد والدین خود استفاده می‌کنند. به اعتقاد بالبی^۱ (۱۹۸۰)، تمایل نوزاد پستانداران برای توسعهٔ دلبستگی با خانواده نتیجهٔ فشارهای تکاملی است تا رفتارهای دلبستگی بتوانند بقای نوزادان را در برابر خطرهای آشکار تسهیل کنند. براساس نوع رفتارها، چهار شکل مختلف دلبستگی مطمئن، مضطرب، دوسوگرا و اضطرابی اجتنابی در کودکان شناسایی شده است. پدر یا هر فرد دیگری اگر زمینهٔ مراقبت فرزند و فعالیت‌های متقابل اجتماعی را فراهم کند به چهرهٔ دلبستگی اصلی تبدیل می‌شود. همچنین، بالبی ارتباط قوی میان جدایی اولیه از مادر (به‌ویژه در سه سال اول) و رفتار اجتماعی ناسازگارانه را نشان داده است.

هیل (۱۹۸۸: ۴۲۹) فراغت اشتراکی زوجین را به‌عنوان عامل احتمالی در پایداری زندگی زناشویی براساس تئوری روان‌شناسی دلبستگی^۲ بررسی کرده است که بررسی تجربی او از این تئوری حمایت می‌کند. براساس این تئوری، زمان اشتراکی زوجین یک شکل کنش متقابل لذت بخش است که دلبستگی بین زوجین را تقویت می‌کند و به پیشگیری از انحلال زناشویی کمک می‌کند. زمان اشتراکی زوجین ارتباط نزدیک زوجین را فراهم می‌کند و بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارد و شانس انحلال ازدواج را کاهش می‌دهد. ورگا^۳ (۱۹۷۲) نیز رابطهٔ منفی میان طلاق و میزان گذران اشتراکی زمان زوجین را در ۱۱ کشور نشان داده است.

اسنایدر^۴ (۱۹۷۹) علایق مشترک زوجین و کمیت و کیفیت زمان گذران فراغت را به‌عنوان پیشگویی‌کنندهٔ رضایت زناشویی مطرح کرده است. نتایج مشابه را می‌توان در تحقیق ارتنر^۵ (۱۹۷۹) و وایت (۱۹۸۳) نیز دید (هیل، ۱۹۸۸: ۴۳۰). ناولز (۲۰۰۴) رابطهٔ معنادار میان رضایت زناشویی و فراغت مشترک را مطرح می‌کند و از نظر وی در این حوزه تفاوت جنسیتی معناداری وجود ندارد. او به مطالعات پیشین در این حوزه و تأیید این رابطه (به نقل از کلی^۶، ۱۹۹۷؛ ارتنر، ۱۹۷۹؛ بارنت‌موریس و منسینی^۷، ۱۹۹۳) اشاره می‌کند.

1. Bowlby
2. Attachment theory
3. Vorgia
4. Snyder
5. Orthner
6. Kelly
7. Orthner, Barnett-Morris, & Mancini

کالمین^۱ (۲۰۰۱) در پژوهش خود با عنوان سبک زندگی اشتراکی^۲ و متمایز^۳ در روابط زوجین، ۱۵۲۳ زوج ازدواج کرده و همزیست در هلند را بررسی کرده است. به بیان وی، سبک زندگی شاخصی از فردگرایی در ازدواج به شمار می‌آید و فراغت بخش بزرگی از زندگی زوجین است و سرخ‌های مهمی را که مردم در حریم خصوصی خود دنبال می‌کنند، نشان می‌دهد. او از تحقیق خود نتیجه می‌گیرد فردگرایی در زوجین یافته غالبی نیست. ریسمن (۱۹۹۳) نیز نشان داده است سبک زندگی اشتراکی با افزایش رضایت زناشویی و پایداری خانواده همراه است.

همچنین، کارنی^۴ و همکاران (۲۰۰۳) رابطه میان زمان زوجین و رضایت زناشویی را در فلوریدا بررسی کردند و نشان دادند زوج‌های راضی‌تر ۵۰ درصد بیش از دیگران زمان را با هم سپری می‌کنند (فن، ۲۰۰۹). وایت (۱۹۸۳) در مطالعه خود به مطالعات بر^۵ (۱۹۷۳)، میلر^۶ (۱۹۷۶)، اسنایدر (۱۹۷۹) و لویز و اسپانر^۷ (۱۹۷۹) که تأثیر کنش‌های اشتراکی زوجین را در رضایت، کیفیت زناشویی و شادی زناشویی نشان داده‌اند، اشاره کرده است و نتیجه‌گیری کلی آن‌ها را - که تعامل بیشتر و کنش‌های متقابل به کیفیت زناشویی بالاتر منجر می‌شود - یادآوری کرده است. از نظر او، رابطه تعامل زوجین با رضایت زناشویی رابطه‌ای پذیرفته شده است، اما باید به علیت آن توجه کرد. به اعتقاد وی، میانگین تعامل زوجین با هم در دامنه ۰ تا ۲۰، ۱۵/۷۹ و در سطح خوبی است. فلود و گنادک^۸ نیز نشان دادند به‌طور کلی زنان و مردان شادمانی بیشتری را در زمان باهم‌بودن داشته‌اند (فلود و گنادک، ۲۰۱۳).

بریت و همکاران^۹ (۲۰۰۸) پژوهشی با عنوان تأثیر رفتارهای هزینه‌کرد مالی بر رضایت از رابطه در افراد متأهل انجام دادند. آن‌ها معتقدند اغلب رفتارهای هزینه‌کرد مالی بسیاری از زوجین را به هم پیوند می‌دهد. آن‌ها در پژوهش خود آزمون کردند که چگونه رفتارهای مالی بر رضایت از رابطه زناشویی اثر می‌گذارد. یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان داد درک پاسخگویان از رفتارهای هزینه‌کرد همسرشان، عمیق‌ترین تأثیر را بر رضایت از رابطه دارد و به‌طور کلی زوجینی که بدون مشورت با یکدیگر پول خرج می‌کنند، سطح رضایت پایین‌تری از زناشویی دارند. در پژوهش‌های

-
1. Kalmijn
 2. Joint lifestyle
 3. Separate lifestyle
 4. Karney
 5. Burr
 6. Miller
 7. Lewis & Spanier
 8. Flood & Genadek
 9. Britt & et al.

داخلی، در تحقیقات اندکی تعامل زوجین و رابطه آن با پایداری زندگی زناشویی بررسی شده است. صداقتی فرد و مهدی‌پور بازکیایی (۱۳۹۰) در بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین با سازگاری با روش پس‌رویدادی و تکنیک پیمایش در زنان متأهل دانشجویان نشان دادند بین رضایت زناشویی و سازگاری در خانه رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، بین صمیمیت زوجین و سازگاری در خانه رابطه معنادار وجود دارد. بین شاخص‌های صمیمیت‌های عاطفی، جنسی، معنوی، زیباشناختی با سازگاری در خانه در نمونه مورد مطالعه رابطه معنادار مشاهده شد، اما بین صمیمیت بدنی با سازگاری در خانه رابطه‌ای دیده نشد.

صادقی فسائی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با رویکردی جنسیتی یکی از جنبه‌های کنش متقابل زناشویی به نام فاصله را بررسی کرده است. در پژوهش یادشده فرض شده است نوعی فاصله بین زوجین وجود دارد که بر کیفیت کنش متقابل اجتماعی تأثیر می‌گذارد. فاصله به منزله کیفیت از رابطه و نیز به مثابه نزدیک یا صمیمی نبودن در نظر گرفته شده است. این پژوهش کیفی با ۴۳ مصاحبه عمیق نیم‌ساخت‌یافته انجام گرفته است. براساس یافته‌های پژوهش یادشده، صور متفاوت از فاصله در روابط زوجین وجود دارد که از آن‌ها با عنوان فاصله معطوف به انتخاب، فاصله معطوف به تعارض و فاصله معطوف به موقعیت نام برده شده است. به عقیده وی، برخی از صور فاصله موجب گسستگی در روابط زوجین می‌شود، اما ممکن است این اتفاق رخ ندهد. طبق نتایج پژوهش باستانی درباره چگونگی رابطه بین شبکه اجتماعی و روابط زوجین (تفکیک نقش‌ها)، هرچه شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر تفکیک‌شده‌تر است.

براساس نتایج پژوهش کیفی منادی (۱۳۸۵: ۸۱-۸۲) نیز خانواده‌های ایرانی ۱. زمانی ویژه را به صورت جدی برای گفت‌وگو در نظر نمی‌گیرند، ۲. هر زمانی که پیش آید در صورت نیاز صحبت‌هایی بین آن‌ها ردوبدل می‌شود و این صحبت‌ها بیشتر در زمینه اطلاعات است تا گفت‌وگو پیرامون موضوعی ویژه، ۳. زمان زیادی گفت‌وگو نمی‌کنند، ۴. مکانی ویژه را برای گفت‌وگو در نظر نمی‌گیرند. هدف آن‌ها از حرف‌زدن بیشتر گذران وقت است تا برای مثال تحلیل محتوای برنامه‌های تلویزیونی. در حالت کلی، گفت‌وگوی بین زن و مرد جایگاهی مهم ندارد.

براساس مباحث یادشده، در پژوهش‌های متعدد خارجی و داخلی رابطه فعالیت‌های اشتراکی با پایداری زندگی زناشویی تأیید شده است. در نتایج تحقیقات فوق تفاوت‌ها و گاه تناقض‌هایی مشاهده می‌شود که می‌توان آن را به تفاوت‌های فرهنگی در جوامع مختلف و همچنین به تفاوت در گروه‌های اجتماعی مختلف نسبت داد. این موضوع اهمیت و لزوم بررسی پدیده‌های اجتماعی

در جوامع مختلف را نشان می‌دهد. همچنین در مطالعات مختلف، فعالیت‌های اشتراکی زوجین در ابعاد محدود و به‌ویژه در اوقات فراغت بررسی شده است، درحالی‌که کنش‌های اشتراکی میان همسران در ابعاد مختلف و وسیع‌تر از جمله گذران زمان، گفت‌وگو با همسر و هزینه‌کرد مالی نیز مطرح است که در این تحقیق بررسی می‌شود.

همان‌طور که بیان شد، فرض اصلی تئوری مبادله این است که انسان از رفتارهای پرهزینه اجتناب می‌کند و به دنبال تعاملاتی است که حداکثر سود و حداقل زیان را داشته باشد. بر این اساس، همسران در فعالیت‌های زندگی روزمره نیز هزینه‌ها و پاداش‌های تحمیل‌شده از طریق فعالیت‌های مشترک را بررسی می‌کنند. هزینه‌ها ممکن است شامل پول و زمان شود و پاداش‌ها شاید لذت‌های شخصی، ارزش‌ها یا تأییدات اجتماعی باشند. در نتیجه، اگر پاداش بزرگ‌تر از هزینه‌ها باشد، فعالیت‌های اشتراکی با همسر شکل می‌گیرد. مقایسه جایگزین ممکن است پاسخگوی دلیل انتخاب فعالیت انفرادی نسبت به اشتراکی باشد. بر این اساس، در پژوهش حاضر ضمن توصیف میزان فعالیت‌های اشتراکی با همسر، روند نسلی آن بررسی می‌شود و فرضیه‌های همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر با مؤلفه‌های مرتبط با پایداری زندگی زناشویی (نشاط زناشویی و گرایش به طلاق) آزمون می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش، پیمایشی کمی با ابزار پرسشنامه در مقیاس لیکرت است و در پی توصیف فعالیت‌های اشتراکی با همسر و آزمون همبستگی آن با مؤلفه‌های مرتبط با پایداری زندگی زناشویی (نشاط زناشویی و گرایش به طلاق) است. جامعه آماری پژوهش شامل متأهلان تهران می‌شود. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ براساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸,۱۵۳,۹۷۴ نفر بوده است که در ۶۰۱۴ حوزه سکونت داشته‌اند و ۴,۲۶۲,۰۴۷ نفر از این تعداد متأهل بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با توجه به حجم بالای جامعه آماری و محدودیت زمان و بودجه، پژوهش در نمونه‌ای معرف و متناسب با شرایط انجام گرفت. برای محاسبه اندازه نمونه از فرمول کوکران و با فرض بیشترین پراکنندگی متغیرهای مورد مطالعه ($p=0/5$)، احتساب خطای نمونه‌گیری حداکثر ۵ درصد (دواس، ۱۳۸۶: ۷۸) و دقت احتمالی ۰/۰۵ استفاده شد. حجم نمونه براساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ براساس فرمول کوکران، با احتساب اثر طرح^۱ برابر با ۲ و ضریب تعدیل بی‌پاسخی ۰/۲۵ ۱۷۲۸ مدنظر قرار گرفت و با احتساب ریزش احتمالی خانوارهای نمونه (تقریباً برابر ۰/۱۵،

متناسب با این نرخ در آمارگیری خانواده مرکز آمار ایران) به ۲۰۰۰ نفر افزایش یافت. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای (PPS)^۱ بوده است. به این منظور، ابتدا تعداد متأهلان مناطق ۲۲ گانه تهران (۴,۲۶۲,۰۴۷ نفر) در نظر گرفته شد و سپس با توجه به جمعیت هر منطقه تعداد نمونه هر منطقه مشخص شد. برای دستیابی به نمونه‌ها در هر منطقه، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی موجود بین مناطق شهر تهران و به منظور انتخاب نمونه‌ای معرف از این مناطق از تقسیم جمعیت تهران (۸,۱۵۳,۹۷۴) - که در ۶۰۱۴ حوزه پراکنده‌اند - بر ۵۰ حوزه فاصله انتخاب ۱۶۳۰۷۹,۴۸ به دست آمد. اولین حوزه به شکل تصادفی مشخص شد. سپس با اضافه کردن فاصله انتخاب، حوزه‌های دیگر انتخاب شدند. در ادامه، با توجه به جمعیت هر منطقه و حوزه‌های انتخاب شده در آن منطقه و همچنین جمعیت هر حوزه، تعداد نمونه‌ها در هر حوزه تعیین شد. به این ترتیب، پراکندگی حوزه‌های انتخاب شده در عمل پراکنش متغیرهای تحت مطالعه را تا حد شایان توجهی تأمین می‌کند.

نقشه‌های حوزه‌های منتخب از مرکز آمار ایران تهیه شد. پرسشگران با مراجعه به منازل، داده‌های پرسشنامه نهایی را که بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی و آزمون مقدماتی آن تأیید شده بود، جمع‌آوری کردند. پرسشنامه‌های دارای بی‌پاسخی بالا و نامعتبر کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۷۳۶ پرسشنامه انتخاب و در تجزیه و تحلیل نهایی به کار گرفته شد. به منظور بررسی اعتبار و پایایی متغیرها از اعتبار صوری مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان و در پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. نسخه ۱۹ نرم‌افزار SPSS در توصیف داده‌ها به کار رفت و از تحلیل عامل اکتشافی و آزمون‌های آماری همبستگی و تحلیل واریانس نیز بهره گرفته شد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

فعالیت‌های اشتراکی با همسر: این فعالیت‌ها در ابعاد مختلف زندگی روزمره در مقیاس لیکرت سنجیده شده است. این متغیر طیفی است که در آن اعداد بزرگ‌تر نشان‌دهنده فعالیت اشتراکی بیشتر با همسر است. بر این اساس، ۱۹ گویه به کاررفته در ابعاد مختلف زندگی روزمره در تحلیل عامل اکتشافی وارد شدند و ۵ عامل دیدار اجتماعی، گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه، گفت‌وگو با همسر و هزینه کرد مالی استخراج شدند.^۲

1. Probability proportional to size

۲. در این بخش در چهار بعد دیدار اجتماعی، گذران زمان خارج از خانه، گذران زمان در خانه و گفت‌وگو با همسر پرسیده شد که تا چه حد فعالیت‌های مطرح شده را با همسران انجام می‌دهید؟ (همیشه با همسر، اغلب با همسر، تا حدودی با همسر، به ندرت با همسر، هرگز با همسر). در بعد هزینه‌کرد مالی خواسته شد که به گویه‌های مطرح شده پاسخ دهند (اصلاً، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد).

نسل: برگرفته از تحقیق هانسون^۱ (۲۰۱۴) سه نسل جوان^۲ در سنین ۱۸-۳۴ سال، میانسال^۳ در سنین ۳۵-۶۴ سال و سالمند^۴ در گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر مشخص شد. نشاط زناشویی^۵: مفهوم نشاط زناشویی را همسران ساخته‌اند که نشان‌دهنده داشتن یک حس خوب است و براساس درجه آن، همسران ازدواج خود را از جنبه‌های مختلف ارزیابی و تأیید می‌کنند. برای بررسی نشاط زناشویی از طریق ۱۲ گویه پرسش‌هایی مطرح شده است که برگرفته از وایت (۱۹۸۳) و لاکسلی (۱۹۸۰) است. در تحلیل عاملی یک عامل از این ۱۲ گویه استخراج شد و متغیر نشاط زناشویی از ترکیب این ۱۲ گویه با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد. گرایش به طلاق: این متغیر با ۵ گویه برگرفته از مطالعه زو^۶ اندازه‌گیری شد. در تحلیل عاملی یک عامل از این ۵ گویه استخراج شد و متغیر گرایش به طلاق از ترکیب این ۵ گویه با لحاظ کردن بار عاملی هر گویه ساخته شد. آلفای کرونباخ هر متغیر در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. متغیرهای تحقیق و آلفای کرونباخ هر متغیر

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
دیدار اجتماعی	۴	۰/۸۰۶
گذران زمان خارج از خانه	۴	۰/۷۳۶
گذران زمان در خانه	۴	۰/۸۱۸
گفت‌وگو با همسر	۴	۰/۷۷۰
هزینه‌کرد مالی	۳	۰/۸۱۲
نشاط زناشویی	۱۲	۰/۹۳۴
گرایش به طلاق	۵	۰/۹۰۲

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی: از ۱۷۳۶ نمونه به‌دست‌آمده این پژوهش، ۴۸/۶ درصد مرد و ۵۱/۴ درصد زن بودند. ۳۸/۳ درصد از مردان متأهل در دامنه سنی زیر ۴۰ سال، ۳۶ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۲۵/۷ درصد ۵۵ سال و بالاتر بودند. همچنین، ۴۹/۴ درصد از زنان متأهل در دامنه سنی زیر ۴۰ سال، ۳۴

1. Hanson
2. Young Adults
3. Adults
4. Senior
5. Marital happiness
6. Xu

درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۱۶/۶ درصد ۵۵ سال و بالاتر بوده‌اند. ترکیب جنسی و سنی نمونه نشان می‌دهد که نمونه معرف جامعه آماری است.

به لحاظ وضعیت تحصیلی ۳/۵ درصد بی‌سواد، ۷/۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۲ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۱۱/۲ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۳۲/۲ درصد دارای تحصیلات پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۶/۷ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۲۱/۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۴/۲ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، ۰/۲ درصد دارای تحصیلات دکتری عمومی، ۰/۶ درصد دارای تحصیلات دکتری تخصصی بودند. به لحاظ شغلی بیش از نیمی از افراد شاغل و حدود ۷ درصد بازنشسته بودند. ۵۱/۴ درصد از این افراد شاغل، ۳۸/۸ درصد خانه‌دار، ۰/۹ درصد دانشجوی، ۶/۸ درصد بازنشسته، ۱/۱ درصد بیکار، ۰/۹ درصد دارای درآمد بدون کار و ۰/۱ درصد جزء سایر موارد بوده‌اند. به لحاظ سطح درآمد، ۳۸/۸ درصد از این افراد درآمد نداشته‌اند یا فقط یارانه دریافت می‌کردند. از میان افراد نمونه، ۴/۲ درصد درآمد زیر ۷۵۰ هزار تومان، ۳۴/۱ درصد درآمد ۷۵۰ تا ۲۲۵۰ هزار تومان، ۱۴/۷ درصد درآمد ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰ هزار تومان، ۶/۱ درصد درآمد ۳۷۵۰ تا ۵۲۵۰ هزار تومان، ۲/۱ درصد درآمد بالاتر از ۵۲۵۰ هزار تومان داشته‌اند. در جدول ۲، توزیع درصدی گویه‌های فعالیت‌های اشتراکی با همسر مشاهده می‌شود.

طبق جدول ۲، ۶۹/۹ درصد از متأهلان تهران در بعد دیدار اجتماعی در سطح بالا فعالیت‌های اشتراکی با همسر دارند. همچنین، ۱۱/۳ درصد آن‌ها فعالیت‌های اشتراکی با همسر در سطح متوسط و ۱۸/۸ درصد آن‌ها فعالیت‌های اشتراکی با همسر در سطح پایین دارند. بیشترین رفتار فردگرایانه با همسر در دیدار با دوستان است؛ به طوری که ۵۰/۳ درصد از پاسخگویان رفتار فردگرایانه با همسر را در دیدار با دوستان دارند. ۸۳/۵ درصد از بین متأهلان تهران در گذران زمان خارج از خانه فعالیت‌های اشتراکی با همسر را در سطح بالا، ۸/۳ درصد آن‌ها در سطح متوسط و ۸/۲ درصد آن‌ها در سطح پایین دارند.

۵۳/۶ درصد از متأهلان تهران در گذران زمان در خانه فعالیت‌های اشتراکی با همسر را در سطح بالا، ۲۳/۶ درصد آن‌ها در سطح متوسط و ۲۲/۸ درصد آن‌ها در سطح پایین دارند. ۶۶/۳ درصد از متأهلان تهران در گفت‌وگو با همسر فعالیت‌های اشتراکی با همسر را در سطح بالا، ۹/۸۵ درصد آن‌ها در سطح متوسط و ۲۳/۸ درصد در سطح پایین دارند. همچنین، ۶۰/۹ درصد از متأهلان تهران در هزینه‌کرد مالی فعالیت‌های اشتراکی با همسر را در سطح بالا، ۱۸/۳ درصد در سطح متوسط و ۲۰/۸ درصد در سطح پایین دارند. براساس یافته‌های جدول ۳، فعالیت‌های اشتراکی با همسر در زندگی

روزمره در ابعاد مختلف در سطحی قابل قبول قرار دارد و فردگرایی در میان همسران در تهران یافته غالبی نیست. جدول ۳ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. توزیع درصدی گویه‌های فعالیت‌های اشتراکی با همسر

متغیر	گویه‌ها	توزیع درصدی			جمع	
		پایین	متوسط	بالا	درصد	درآسانی
	تا چه حد این فعالیت‌ها را با همسر خود انجام می‌دهید؟					
	دیدار با والدین	۶	۱۲/۱	۳۱/۴	۴۷/۹	۱۴۴۲
	دیدار با خواهر و برادر	۵/۵	۱۱/۴	۲۶/۸	۵۳/۶	۱۶۹۵
دیدار اجتماعی	دیدار با اقوام و فامیل	۵/۳	۹/۸	۲۲/۲	۵۹/۷	۱۶۴۷
	دیدار با دوستان	۱۵/۱	۱۱/۸	۸/۱	۲۹/۸	۱۵۵۶
	متغیر دیدار اجتماعی	۱۸/۸۲۵	۱۱/۲۷۵	۶۹/۹		۱۵۸۵
	رفتن به سینما، تئاتر و...	۲/۵	۵/۷	۱۶/۷	۲۲/۲	۱۴۳۹
گذران زمان	تفریح و سرگرمی‌هایی مانند رفتن به پارک و...	۳/۹	۷/۸	۱۹/۹	۵۹/۲	۱۶۴۷
خارج از خانه	خرید کردن	۴/۲	۷/۷	۳۹/۸	۳۱/۳	۱۷۱۸
	رفتن به مسافرت	۱/۵	۰/۸	۱۴/۳	۸۰/۶	۱۶۹۳
	متغیر گذران زمان خارج از خانه	۸/۲	۸/۳	۸۳/۵		۱۶۲۴
	انجام دادن علاقه‌مندی‌های خود در منزل	۸/۸	۱۸/۹	۲۷/۵	۱۵/۲	۱۶۸۰
گذران زمان در خانه	تماشای تلویزیون و ماهواره	۳	۶/۶	۲۰/۴	۲۱/۹	۱۷۱۵
	گوش کردن به موسیقی	۱۰/۷	۲۲/۷	۲۲/۱	۱۴/۲	۱۴۵۰
	گذران زمان بدون فعالیت خاص	۵/۶	۱۵	۲۴/۴	۲۵/۹	۱۶۶۹
	متغیر گذران زمان در خانه	۲۲/۸۲۵	۲۳/۶	۵۳/۵۷۵		۱۶۳۸
	گفت‌وگو در مورد فعالیت‌های روزانه	۱۱/۱	۵/۷	۱۳/۶	۴۵/۲	۱۷۷۲
گفت‌وگو با همسر	گفت‌وگو در مورد مشکلات شخصی	۱۰/۸	۵	۸/۷	۵۳/۷	۱۷۲۷
	گفت‌وگو در مورد مسائل و مشکلات فرزندان	۷/۹	۱/۷	۴/۹	۶۲/۹	۱۴۶۲
	گفت‌وگو در مورد مسائل و مشکلات خانواده پدری	۳۹/۳	۱۳/۷	۱۳/۳	۲۱/۵	۱۶۰۴
	متغیر گفت‌وگو با همسر	۲۳/۸	۹/۸۵	۶۶/۳۵		۱۶۴۱
	در خانواده ما پول به‌طور مشترک نگهداری و خرج می‌شود.	۱۸/۶	۱۷/۷	۳۱/۲	۱۵/۱	۱۷۳۴
	در خانواده ما مرد درآمدش را هرطور که می‌خواهد خرج یا پس‌انداز می‌کند.	۳/۱	۵/۲	۹/۱	۶۳/۴	۱۷۳۱
هزینه‌کرد مالی	در خانواده ما زن درآمدش را هرطور که می‌خواهد خرج یا پس‌انداز می‌کند.	۶/۵	۱۱/۴	۱۴/۵	۴۹/۳	۳۶۷
	متغیر هزینه‌کرد مالی	۲۰/۸۳	۱۸/۲۷	۶۰/۹		۱۲۷۷

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	واریانس	مینیمم-ماکزیمم
دیدار اجتماعی	۸/۴۳۸۹	۸/۸۷۰۳	۲/۴۴۷۱۲	۵/۹۸۸	۰ - ۱۱/۱۶
گذران زمان خارج از خانه	۸/۱۷۹۰	۸/۷۱۱۰	۱/۶۶۴۸۷	۲/۷۷۲	۰ - ۹/۸۰
گذران زمان در خانه	۶/۸۲۸۵	۶/۹۶۳۰	۲/۴۹۲۵۴	۶/۲۱۳	۰ - ۱۱/۳۸
گفت‌وگو با همسر	۷/۱۶۱۷	۷/۸۸۰۰	۲/۶۸۶۳۷	۷/۲۱۷	۰ - ۱۰/۵۸
هزینه‌کرد مالی	۵/۴۹۶۸	۵/۸۶۶۰	۱/۴۱۹۰۸	۲/۰۱۴	۰ - ۸/۱۰
نشاط زناشویی	۳۳/۱۷۳۴	۳۴/۵۹۷۰	۷/۱۹۱۱۱	۵۱/۷۱۲	۰ - ۴۵/۷۱
گرایش به طلاق	۲/۱۰۳۹	۰/۹۲۹۰	۳/۷۰۳۴۶	۱۳/۷۱۶	۰ - ۲۰/۹۰

جدول ۳ نیز نشان می‌دهد انتخاب غالب افراد متأهل فعالیت‌های اشتراکی با همسر در سطح بالاست. همچنین، میانگین نشاط زناشویی بالاتر از حد متوسط و گرایش به طلاق پایین است.

یافته‌های تحلیلی

همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در جدول ۴ در کل نمونه و به تفکیک جنسیت نشان داده می‌شود.

جدول ۴. همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی و گرایش به طلاق

فعالیت‌های اشتراکی با همسر	کل		مردان		زنان		
	همبستگی پیرسون	P مقدار	همبستگی پیرسون	P مقدار	همبستگی پیرسون	P مقدار	
فعالیت‌های اشتراکی با همسر	دیدار اجتماعی	۰/۴۳۲	۰/۰۰۰	۰/۲۳۲	۰/۰۰۰	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰
	گذران زمان خارج از خانه	۰/۴۰۹	۰/۰۰۰	۰/۲۴۴	۰/۰۰۰	۰/۴۹۵	۰/۰۰۰
	گذران زمان در خانه	۰/۴۸۵	۰/۰۰۰	۰/۴۲۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۹	۰/۰۰۰
	گفت‌وگو با همسر	۰/۶۲۲	۰/۰۰۰	۰/۵۵۶	۰/۰۰۰	۰/۶۶۱	۰/۰۰۰
	هزینه‌کرد مالی	۰/۲۹۲	۰/۰۰۰	۰/۲۸۰	۰/۰۰۰	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰
فعالیت‌های اشتراکی با همسر	دیدار اجتماعی	-۰/۳۲۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۱۷	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۳	۰/۰۰۰
	گذران زمان خارج از خانه	-۰/۳۶۷	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۴۲	۰/۰۰۰
	گذران زمان در خانه	-۰/۳۴۰	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۹۲	۰/۰۰۰
	گفت‌وگو با همسر	-۰/۴۱۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۱	۰/۰۰۰
	هزینه‌کرد مالی	-۰/۲۷۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۸	۰/۰۰۰

براساس جدول ۴، فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی همبستگی مستقیم معنادار و با گرایش به طلاق همبستگی معکوس معنادار دارد؛ بنابراین، فرضیه‌های مبتنی بر همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی و گرایش به طلاق پذیرفته می‌شود. همچنین، این همبستگی در زنان قوی‌تر از مردان است. فعالیت‌های اشتراکی با همسر در زنان با نشاط آن‌ها در زندگی زناشویی و عدم گرایش به طلاق همبستگی بالاتری دارد. به‌علاوه، هزینه‌کرد مالی اشتراکی هرچند برای زنان همبستگی بیشتری با نشاط زناشویی دارد، در صورت عدم تحقق آن زنان نسبت به مردان گرایش به طلاق بیشتری را نشان نمی‌دهند. به‌طور کلی، زنان بیش از مردان از فعالیت‌های اشتراکی با همسر احساس خرسندی در زندگی زناشویی می‌کنند. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا جامعه ما به لحاظ نسلی به سوی فعالیت‌های اشتراکی با همسر پایین‌تر در حال حرکت است یا خیر. به تعبیر دیگر، در جامعه ما گسست در روابط میان همسران سیر صعودی دارد یا خیر. جدول ۵ تحلیل واریانس نسل با فعالیت‌های اشتراکی با همسر را نشان می‌دهد.

جدول ۵. تحلیل واریانس نسل با سبک زندگی متأهلان

مقدار P	F	میانگین	تعداد	نسل	
		۹/۵۰۶۷	۱۴۵	اول	
۰/۰۰۱	۷/۴۱۷	۸/۸۷۳۷	۱۱۶۴	دوم	دیدار اجتماعی
		۸/۵۴۰۵	۴۲۷	سوم	
		۸/۴۰۳۵	۱۴۵	اول	
۰/۶۰۶	۰/۵۰۲	۸/۲۷۰۵	۱۱۶۴	دوم	گذران زمان خارج از خانه
		۸/۳۲۶۹	۴۲۷	سوم	
		۷/۷۴۸۴	۱۴۵	اول	
۰/۰۰۰	۱۴/۱۷۲	۶/۷۰۲۰	۱۱۶۴	دوم	گذران زمان در خانه
		۶/۵۲۰۸	۴۲۷	سوم	
		۷/۰۶۱۰	۱۴۵	اول	
۰/۰۲۶	۳/۶۲۲	۷/۶۵۳۱	۱۱۶۴	دوم	گفت‌وگو با همسر
		۷/۳۹۵۴	۴۲۷	سوم	
		۵/۷۰۵۰	۱۴۵	اول	
۰/۹۷۶	۰/۰۲۴	۵/۶۷۸۰	۱۱۶۴	دوم	هزینه‌کرد مالی
		۵/۶۷۴۹	۴۲۷	سوم	

فعالیت‌های اشتراکی با همسر

براساس جدول ۵، در گذران زمان خارج از خانه و در هزینه‌کرد مالی تفاوت نسلی وجود ندارد. به عبارت دیگر، فعالیت‌های اشتراکی با همسر در گذران زمان خارج از خانه و در هزینه‌کرد مالی در سه نسل مشابه با یکدیگر است. در دیدار اجتماعی فعالیت‌های اشتراکی با همسر در نسل اول بیش از نسل دوم ($P = ۰/۰۱۸$ مقدار P و $MD^1 = ۰/۶۳۳۰۴$) و سوم ($P = ۰/۰۰۰$ مقدار P و $MD = ۰/۹۶۶۱۶$) است. همچنین، در گذران زمان در خانه فعالیت‌های اشتراکی با همسر در نسل اول بیش از نسل دوم ($P = ۰/۰۰۰$ مقدار P و $MD = ۱/۰۴۶۳۹$) و سوم ($P = ۰/۰۰۰$ مقدار P و $MD = ۱/۲۲۷۵۲$) است و در گفت‌وگو با همسر فعالیت‌های اشتراکی در نسل اول کمتر از نسل دوم ($P = ۰/۰۴۴$ مقدار P و $MD = -۰/۵۹۲۱۱$) است. در جدول ۶، همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در سه نسل مشاهده می‌شود.

جدول ۶. آزمون همبستگی فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی و گرایش به طلاق در سه نسل

نسل سوم		نسل دوم		نسل اول		فعالیت‌های اشتراکی با همسر	فعالیت‌های اشتراکی با همسر
همبستگی پیرسون	مقدار P	همبستگی پیرسون	مقدار P	همبستگی پیرسون	مقدار P		
۰/۰۰۰	۰/۴۸۹	۰/۰۰۰	۰/۴۱۰	۰/۰۰۰	۰/۵۰۶		
۰/۰۰۰	۰/۴۷۳	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷		
۰/۰۰۰	۰/۵۹۳	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳		
۰/۰۰۰	۰/۶۳۸	۰/۰۰۰	۰/۶۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۰۰		
۰/۰۰۰	۰/۳۶۲	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶	۰/۰۴۵	۰/۱۶۷		
۰/۰۰۰	-۰/۳۹۴	۰/۰۰۰	-۰/۲۹۱	۰/۰۴۷	-۰/۱۶۵	دیدار اجتماعی گذران زمان خارج از خانه گذران زمان در خانه گفت‌وگو با همسر هزینه‌کرد مالی	فعالیت‌های اشتراکی با همسر
۰/۰۰۰	-۰/۴۵۲	۰/۰۰۰	-۰/۳۴۹	۰/۰۰۲	-۰/۲۵۱		
۰/۰۰۰	-۰/۴۳۷	۰/۰۰۰	-۰/۲۹۸	۰/۰۵۰	-۰/۱۶۳		
۰/۰۰۰	-۰/۴۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۶	۰/۱۸۰	-۰/۱۱۲		
۰/۰۰۰	-۰/۲۹۳	۰/۰۰۰	-۰/۲۹۰	۰/۹۵۷	-۰/۰۰۵		

طبق جدول ۶، برای نسل‌های جوان‌تر فعالیت‌های اشتراکی با همسر اهمیت بیشتری دارد و تقریباً در تمام حوزه‌ها با نشاط زناشویی ارتباط بیشتری دارد. این نتایج نشان می‌دهد همگرایی در روابط میان همسران در جامعه ما همچنان پابرجاست و متأهلان در تمام نسل‌ها تمایل به فعالیت‌های متمایز ندارند و حتی نسل جوان در فعالیت‌های اشتراکی نشاط زناشویی بیشتری نیز دارد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، میزان فعالیت‌های اشتراکی با همسر در ابعاد مختلف گذران زمان، گفت‌وگو با همسر و هزینه‌کرد مالی و رابطه آن با مؤلفه‌های مرتبط با پایداری زندگی زناشویی و روند نسلی آن بررسی شد. براساس برخی دلایل، این عوامل در پژوهش حاضر بررسی شد؛ برای مثال، در جامعه ما تحقیقات در حوزه کمیت و کیفیت روابط همسران در طول زندگی زناشویی اندک است و از این مهم اغلب غفلت شده است. همچنین، تغییرات اقتصادی-اجتماعی در دهه‌های اخیر، سکون پدیده‌ها و قابلیت پیش‌بینی را از بین برده و رصد پدیده‌های اجتماعی و بررسی روند تغییرات را در حوزه خانواده ضروری ساخته است. علاوه بر این، برخی محققان معتقدند در عصر حاضر در روابط میان همسران گسست ایجاد شده و فردگرایی در خانواده سیر صعودی داشته است. در بسیاری از تحقیقات داخلی و خارجی نیز نوعی دوگانگی و تناقض در یافته‌ها مشاهده می‌شود.

نتایج این تحقیق نشان داد:

۱. انتخاب اکثریت افراد متأهل در زمینه فعالیت‌های اشتراکی با همسر در سطح بالاست و در جامعه ما فردگرایی میان همسران یافته شایعی نیست. مشابه این یافته در تحقیق وایت (۱۹۸۳) نیز مشاهده می‌شود که تعامل زوجین را در دامنه ۰ تا ۲۰، ۱۵/۷۹ گزارش کرده است. همچنین، کالمین (۲۰۰۱) در تحقیق خود نشان داده است فردگرایی در خانواده یافته شایعی نیست و زوجین هلندی در اوقات فراغت اغلب سبک زندگی اشتراکی را انتخاب می‌کنند. در نتیجه، برآورد شیوع نابسامانی‌ها و آسیب‌های خانواده در جامعه خانواده‌مدار ما اهمیت زیادی دارد و براساس این یافته، از بسیاری از کژاندیشی‌ها در حوزه خانواده جلوگیری می‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد اگرچه کنش‌های فردگرایانه در برخی خانواده‌ها وجود دارد، یافته‌ای غالب و شایع نیست.

۲. برآیند سود و زیان حاصل از فعالیت‌های اشتراکی، افراد متأهل را به انتخاب‌های متفاوت در ابعاد مختلف زندگی سوق می‌دهد. همچنین، تعداد افرادی که در گذران زمان خارج از خانه و دیدارهای اجتماعی فعالیت‌های اشتراکی با همسر در سطح بالا را انتخاب کردند، بیش از افرادی بود که این سبک را در گذران زمان در خانه، گفت‌وگو با همسر و در هزینه‌کرد مالی انتخاب کردند. فعالیت‌های اشتراکی متأهلان در ابعاد مختلف یکسان نیست و احتمالاً به نظارت اجتماعی، عمق رابطه، برآیند سود و زیان به دست آمده، عرف اجتماعی و قوانین موضوعه ارتباط دارد؛ برای مثال، در گذران زمان در خانه که نظارت اجتماعی پایین است و به‌طور عمده زنان در ساعات

زیادی به کارهای خانگی مشغول‌اند و عرف نیز آن را تأیید می‌کند. فعالیت‌های اشتراکی با همسر پایین‌تر است. در دیدار اجتماعی و گذران زمان خارج از خانه که نظارت اجتماعی بالا و عمق ارتباط کمتر است، فعالیت‌های اشتراکی با همسر بیشتر دیده می‌شود. در زمینه هزینه‌کرد مالی، از آنجاکه قانون و عرف مرد را مسئول تأمین مالی زن قرار داده است و همچنین تعداد کسانی که در خانواده آن‌ها پول به صورت مشترک نگهداری و خرج می‌شود زیاد نیست (۳۲/۵ درصد)، تعداد کمی از مردان فعالیت‌های اشتراکی با همسر در سطح پایین را انتخاب کرده‌اند (۸/۳ درصد) و تعداد زنانی که فعالیت‌های اشتراکی با همسر در سطح پایین دارند بیش از مردان است (۱۷/۹ درصد).

۳. فعالیت‌های اشتراکی با همسر با نشاط زناشویی همبستگی مستقیم و با گرایش به طلاق همبستگی معکوس معنادار دارد. این یافته در بسیاری از تحقیقات نیز نشان داده شده است (هیل، ۱۹۸۸؛ ورگا^۱، ۱۹۷۲؛ اسنایدر، ۱۹۷۹؛ ارتنر، ۱۹۷۹؛ وایت، ۱۹۸۳؛ بکر و لوئیس^۲، ۲۰۱۰؛ ناولز، ۲۰۰۴؛ کلی، ۱۹۹۷؛ بارت و همکاران، ۱۹۹۳؛ ریسمن، ۱۹۹۳؛ فن^۳، ۲۰۰۹؛ کارنی، ۲۰۰۳؛ بریت، ۲۰۰۸؛ فلود و گنادک^۴، ۲۰۱۳). همچنین، تحقیق حاضر تأییدکننده نتایج پژوهش صدقاتی‌فرد و مهدی‌پور بازکیایی (۱۳۹۰) است که نشان دادند میان رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین و رضایت زناشویی و سازگاری در خانه رابطه معنادار وجود دارد. براین اساس، یافته‌ها نشان می‌دهند گسترش دامنه فعالیت‌های اشتراکی با همسر یکی از راه‌هایی است که افراد می‌توانند نشاط زناشویی بیشتری داشته باشند.

۴. زنان بیش از مردان از فعالیت‌های اشتراکی خشنود می‌شوند. همان‌طور که مشاهده شد، فعالیت‌های اشتراکی با همسر در زنان با نشاط زناشویی بیشتر و گرایش به طلاق کمتر همراه بود. ناولز (۲۰۰۴) نیز در تحقیق خود نشان داده است زنان از فعالیت‌های اشتراکی حس مثبت‌تری دارند. از این یافته در آموزش همسران در راستای پایداری زندگی زناشویی می‌توان بهره برد. همچنین، افراد باید به نقش فعالیت‌های اشتراکی با همسر در افزایش نشاط زناشویی و همچنین به تفاوت‌های جنسیتی در این حوزه آگاهی پیدا کنند تا هرچه بیشتر با فراهم‌کردن شرایط مناسب در راستای افزایش فعالیت‌های اشتراکی به پایداری خانواده کمک کنند. به نظر می‌رسد این رابطه به انتظارات و توقعات افراد نیز بستگی دارد. براساس پژوهش حاضر، هزینه‌کرد مالی اشتراکی برای

1. Vorga
2. Becker & Lois
3. Fein
4. Flood & Genadek

زنان همبستگی بیشتری با نشاط زناشویی دارد، اما در صورت عدم تحقق آن زنان نسبت به مردان گرایش به طلاق بیشتری را نشان نمی‌دهند. شاید یافته یادشده را بتوان به این صورت توجیه کرد که زنان به علت مشارکت اقتصادی کمتر در خانواده، از نبود فعالیت‌های اشتراکی در این حوزه حس منفی زیادی ندارند.

۵. برای نسل‌های جوان‌تر فعالیت‌های اشتراکی با همسر اهمیت بیشتری دارد و تقریباً در تمام حوزه‌ها با نشاط زناشویی ارتباط بیشتری دارد. این نتایج نشان می‌دهد همگرایی در روابط میان همسران در جامعه ما همچنان پابرجاست و متأهلان در تمام نسل‌ها تمایل به فعالیت‌های متمایز ندارند و حتی نسل جوان از فعالیت‌های اشتراکی نشاط زناشویی بیشتری نیز دارد. انتظارات و خواست‌های نسل جوان متفاوت با نسل‌های پیشین اما در راستای استحکام خانواده است و در صورتی که این انتظارات و خواست‌ها تحقق نیابد، واکنش‌های جدی‌تری از خود بروز می‌دهند. در نسل‌های پیشین، اگر فعالیت‌های اشتراکی با همسر وجود نداشت، افراد فکر جدایی از همسر را نداشتند، اما در نسل‌های جوان‌تر اگر فعالیت‌های اشتراکی وجود نداشته باشد، متأهلان گرایش بیشتری به طلاق نشان می‌دهند. به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت فردگرایی و گسست در روابط با همسر شایع نیست.

روند نسلی فعالیت‌های اشتراکی با همسر نشان داد تفاوت نسلی در ابعاد گذران زمان خارج از خانه و هزینه‌کرد مالی وجود ندارد و بخشی از تفاوت‌های نسلی موجود نیز ممکن است معطوف به موقعیت باشد. در نسل اول که به طور کلی به سبب موقعیت جسمی و فیزیکی امکان حضور افراد در خانه بیشتر است، فعالیت‌های اشتراکی با همسر نیز بیشتر مشاهده می‌شود. همچنین، فعالیت‌های اشتراکی در نسل اول در حوزه گفت‌وگو با همسر کمتر است که این وضعیت ممکن است به دلیل موقعیت جسمی و حضور بیشتر در خانه باشد و از آنجاکه این افراد بیشتر در کنار هم حضور دارند، بیشتر در جریان فعالیت‌های روزمره همدیگر قرار دارند و گفت‌وگو کمتر می‌شود. در نسل‌های جوان‌تر ممکن است به علت ساختار شغلی نامناسب امکان ایجاد فعالیت‌های اشتراکی با همسر کمتر محقق شود یا ممکن است این تمایز به دلیل وجود مشکلات زناشویی در آنها به وجود آمده باشد که به بررسی بیشتر نیاز دارد.

۶. در زندگی زناشویی باید به افراد آموزش داده شود تا شرایط ایجاد فعالیت‌های اشتراکی را فراهم آورند. باید افراد متأهل به اهمیت فعالیت‌های اشتراکی با یکدیگر در ابعاد مختلف پی ببرند و به این موضوع اهمیت دهند. همچنین، باید به تفاوت‌های جنسیتی و نسلی توجه شود. در این تحقیق مشاهده شد که زنان از فعالیت‌های اشتراکی با همسر خرسندتر می‌شوند؛ بنابراین، یکی از

راه‌های کمک‌کننده در ایجاد نشاط زناشویی بالاتر در زنان، افزایش فعالیت‌های اشتراکی همسر با آن‌هاست. همچنین، باید شناخت بیشتری در مورد نسل‌های جوان به‌دست آید و خواست‌های آن‌ها که در راستای انسجام خانواده نیز است، تحقق یابد؛ زیرا در غیر این صورت واکنش‌های جدی‌تر از خود نشان می‌دهند.

۷. در سطح کلان نیز شناسایی نسل جوان ضرورت دارد. آن‌ها خواهان فعالیت‌های اشتراکی با همسر هستند و در صورت عدم تحقق آن واکنش‌های جدی‌تری از خود بروز می‌دهند. رسانه‌ها باید در به‌تصویرکشیدن تأثیر سبک زندگی اشتراکی در انسجام خانوادگی و بیان تفاوت‌های جنسیتی و نسلی در این حوزه کمک‌کننده باشند.

۸. باید شیوع آسیب‌های حوزه خانواده به‌طور دقیق‌تر مطالعه شود تا واقعیات اجتماعی بهتر شناسایی شود و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی براساس آن صورت گیرد.

۹. در حوزه مطالعاتی انجام‌دادن تحلیل زوجی در فعالیت‌های اشتراکی با همسر، بررسی کمیت روابط زوجین در ابعاد دیگر، بررسی کیفیت زندگی زناشویی، بررسی کیفی فعالیت‌های اشتراکی با همسر و تعیین‌کننده‌های آن، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت‌های اشتراکی با همسر و تعیین‌کننده‌های آن، مقایسه فعالیت‌های اشتراکی با همسر در خانواده‌های تک‌نار‌آور و دونان‌آور پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آزادارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۲۸: ۴۳۵-۴۶۲.
- آزادارمکی، تقی، مدیری، فاطمه و وکیلی، عارف (۱۳۸۹)، «فروپاشی خانواده یا تغییرات بنیادی»، خانواده و پژوهش، شماره ۱: ۶۳-۸۵.
- رازقی نصرآباد، حجه‌بی‌بی (۱۳۹۳)، طرح پژوهشی مرور مطالعات مرتبط با باروری پایین در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- صادقی فسائی، سهیلا و ملکی‌پور، زینب (۱۳۹۲)، «تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین: مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۱: ۱-۲۸.
- صداقتی فرد، مجتبی و مهدی‌پور بازکیایی، مونا (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین با سازگاری در خانه»، فصلنامه روانشناسی تحلیلی شناختی، شماره ۲۲: ۲۱-۳۱.
- طالبی، ابوتراب و ویسی، سیمین (۱۳۹۱)، «رابطه میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۶: ۲۴۷-۲۸۳.

- مدیری، فاطمه (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی با تأکید بر نقش دینداری، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۴)، طرح پژوهشی سبک زندگی متأهلین و تعیین‌کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر تهران)، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، نتایج سرشماری.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی خانواده: تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده، تهران: دانژه.
- Becker, O. A. and Lois, D. (2010), "Selection, Alignment, and Their Interplay: Origins of Lifestyle Homogamy in Couple Relationships", **Journal of Marriage and Family**, No. 72: 1234–1248.
- Britt, S., John E. G., Briana S. G. and White M. (2008), "The Influence of Perceived Spending Behaviors on Relationship Satisfaction", **Financial Counseling and Planning**, No.1: 31-43.
- Fein, D. J. (2009), **Spending Time Together: Time use estimates for economically disadvantaged and nondisadvantaged married couples in the United States**, Working paper, Office of Planning, Research, and Evaluation (OPRE).
- Flood, S. M. and Genadek, K. R. (2013), "Time for each Other: Work and Family Constraints among Couples", *Journal of Marriage and Family*, No. 1: 142–164.
- Hanson, L. K. and Essenburg, T. J. (2014), **The New Faces of American Poverty. A Reference Guide to the Great Recession**, California: ABC-CLIO. available in www.abc-clio.com
- Hazan, C. and Shaver, P. (1987), "Romantic Love conceptualized as an Attachment Process", **Journal of Personality and Social Psychology**, NO. 3: 511-524.
- Hill, M. S. (1988), "Marital Stability and Spouses Shared Time", **Family Issues**, No. 4: 427-451.
- Kalmijn, M. (2001), "Joint and Separated Lifestyles in Couple Relationships", **Marriage and Family**, No. 63: 639-654.
- Knowles, S. (2004), **Marital Satisfaction, Shared Leisure and Leisure Satisfaction in Married Couples with Adolescents**, MA Thesis, Oklahoma State University.
- Locksley, A. (1980), "On the Effects of Wives Employment on Marital Adjustment and Companionship", **Marriage and Family**, No. 2: 337-346.
- White, L. K. (1983), "Determinants of Spousal Interaction: Marital Structure or Marital Happiness", **Marriage and Family**, No. 45: 511-519.
- Xu, X., and Lai, S. (2004), "Gender Ideologies, Marital Roles, and Marital Quality in Taiwan", **Journal of Family Issues**, No. 3: 318–355.